

لحظه‌های انتظار

شیوا همتی



سرشناسه	همتی، شیوا، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	: لحظه های انتظار شیوا همتی.
مشخصات نشر	: تهران: سفیر اردهال، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری	: ۱۸ص: ۵/۱۴/۵۱/۵۲۱ س.م.
شابک	: ۹-۵۹۴-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
موضوع	: داستان های فارسی- قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction—20 th century
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶: ۳۱۳۲۱/م۲۴۵
رده‌بندی دیویی	: ۸۶۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۲۳۷۹۸



لحظه‌های انتظار

شیوا همتی

صفحه آرا: شبنم شهبازی، حروفنگار: سکینه ذکلان
طراحی جلد: واحد اماکن سازی، نشر سفیر اردهال
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷ لیتوگرافی چاپ و صحافی: سفیر اردهال

شمارگان: ۲۲۰ نسخه ♦ شماره ثبت: ۶۳۸-۱
بها: ۳۵۰۰۰ تومان

© حق چاپ: ۱۳۹۷، انتشارات سفیر اردهال www.safirardahal.ir

شابک: ۹-۵۹۴-۳۱۳-۶۰۰-۹۷۸

نشانی دفتر: تهران، خیابان مفتح، خیابان سمیه، رو به روی بانک ملی ایران،
ساختمان ۱۱۸، واحد ۴

تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۳۸۹۸-۸۸۳۱۹۳۴۲ کد پستی: ۷۴۷۱۵-۱۵۸۱۸

email: safirardahal@yahoo.com

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

یک بار دیگر پس از سال نادی و نزدیکی از قلم و نوشتن، تصمیم گرفتم حرف‌های دلم را به روی کاغذ بیاورم و بعد نوشتن را آغاز کنم. تا با قلم خود و تجربه‌های دیگران، کتابی نو بیافرینم و به دیگران، به آنم. شاید کار چندان زیبایی نباشد که یک انسان ناموفق و شکست‌خورده، داستان زندگی‌اش را بازگو کند و نویسنده با فن نوشتن و به کمک تخیلاتش آن را کامل کند و زمانی در مورد آن به نظر برسد. چه بسا این کتاب، نه جذاب باشد، نه خوب و دلچسب. اما من اول برای تسکین دلم می‌نویسم و دوم که البته نکته دوم مهم‌تر است. به قول قدیمی‌ها، ادب از که آموختی؟ از بی‌دبان.

شاید تجربه‌های باارزشی در این کتاب نهفته باشد، که به دل شما خواننده گرامی بنشیند و شما به زندگی به جور دیگری نگاه کنید که این موضوع برای من خیلی باارزش‌تر است. قطعاً هر کتاب، زائیده ذهن نویسنده‌ی آن اثر می‌باشد. از آنجایی که خوانندگان و مخاطبان، با طرز تفکر گوناگون کتاب را می‌خوانند. حتماً برداشت‌های متفاوتی درباره‌ی خوب یا بد بودن آن اثر دارند. از این رو پس از تمام کردن کتاب یا شروع به نقد و انتقاد می‌کنند، یا این که مطالب آن را تأیید می‌کنند. به عقیده‌ی من خلاقیت و قلم نویسنده، شرطی لازم برای خوب یا بد بودن کتاب است اما کافی نیست. این خواننده است که می‌تواند از هر کتابی، برداشت خاصی داشته باشد و از آن درس عبرت بگیرد. بنابراین ما

می‌توانیم از کتاب‌های بد و تجربه‌های تلخ دیگران، در کی تازه داشته باشیم برای بهتر زندگی کردن. به عقیده‌ی من، خوب یا بد بودن کتاب بیشتر بستگی به خواننده‌ی آن دارد تا نویسنده. زیرا بدترین کتاب‌ها را هم می‌توانیم خوب بخوانیم و از آن درس عبرت بگیریم. این نوشته‌ها، تنها داستانی تخیلی و برگرفته از ذهن نویسنده نیست. بلکه حقایقی در آن نهفته است که از سرگذشت واقعی دو جوان، با دو خانواده، با دو فرهنگ متضاد برگرفته شده است. سعی کردم از آنچه که در پیرامون این خانواده‌ها دیده و شنیده‌ام، الهام بگیرم و بگویم که ترک اعتیاد این طوری که در جامعه‌ی ما جا افتاده، چندان محال نیست. بلکه با داشتن اراده و همت و پشتیبانی خانواده‌ها، امکان‌پذیر است. در این میان، خانواده نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و می‌تواند چون کوهی استوار دست یاری به سوی فرزند معتاد دراز کند و او را از سرداب اعتیاد بیرون بکشد و نجات بدهد. شخص معتاد تاری به دور خود تنیده و در چاهی فرو رفته است که تلاش و کوشش خودش به تنهایی کافی نیست. او نمی‌تواند با این اراده‌ی متزلزل از من لای بیرون بیاید. امیدوارم کسانی که این کتاب را می‌خوانند، به افراد و دور و برشان بگویند که ترک اعتیاد واقعی انکارناپذیر است. یک بیمار معتاد، می‌تواند اعتیاد خودش را ترک کند و یکبار دیگر قد علم کند و بگوید من می‌توانم چون می‌خواهم. اینکار شدنی است. و سو به قیمت از دست دادن زندگی و سرمایه‌ی اطرافیان که عشق هم در این میان بی‌تاثیر نیست.